



مسلمانان صدر اسلام

در قیافه های گوناگون

۹۷. الاعراب اشد کفرأ و نشاقاً و اجدرا لا یعلموا حدود ما انزل

الله علی رسوله و الله علیم حکیم .

: عر بای از باده نشین در کفر و نشاق و بی سبب ترند ، و حدود و قوانینی که

خداوند بر پیامبر خود نازل کرده است کمتر توجه دارند خداوند دانا و حکیم است .

۹۸ - و من الاعراب من یتخذ ما ینفق مفرماً و یتربص بکم

الدوائر علیهم دائرة السوء و الله - صمیم علیم .

: برخی از باده نشینان آنها را در راه خدا خرج و اتقاق میکنند ؛

گرامت و خسارت می بیند و در انتظار حوادث سوء بر شما هستند ، حوادث بد

متوجه آنها باد ؛ خداوند شیوا و دانا است .

۹۹ . و من الاعراب من یؤمن بالله و الیوم الآخر و یتخذ

ما ینفق قربات عند الله و صلوات الرسول الا انها قر به لهم سید خلیهم

الله فی رحمته ان الله غفور رحیم .

: ولی برخی از باده نشینان (بر خلاف گروه گذشته) ابتدا و روز

دیگر (رستاخیز) ایمان دارند و آنچه را در راه خدا خرج میکنند ؛ و دانی را

(بقیه در صفحه ۶۶)

(بقیه از صفحه ۸) که پیامبر در حق آنها مینماید: مایه تقرب بخدا میداند، آگاه باشید که این کارها مایه تقرب بخدا است، خداوند برودی آنها را در رحمت خود داخل میکند خداوند آمرزنده و رحیم است.

۱۰۰ - والسابقون الاولون من المهاجرین والانصارو الذین اتبعوهم باحسان رضی الله عنهم ورضوا عنه واعلمهم جنات تجری تحتها الانهار خالدین فیها ابدًا ذلک الفوز العظیم .

: افرادی از مهاجر و انصار که در ایمان پیشی گرفته اند و کسانی - که از آنها بخوبی پیروی کرده اند، خداوند از آنها خشنود شده و آنان نیز از او راضی شدند و برای آنها بهشتی که زیر درختان آن جویها جاریست آماده کرده و تا ابد در آنجا هستند، این است کامیابی بزرگه .

۱۰۱ - و ممن حولکم من الاعراب منافقون و من اهل المدینة مردوا علی النفاق لا تعلمهم نحن نعلمهم سنعذبهم مرتین ثم یردون الی عذاب عظیم .

: بعضی از بادیه نشینان که در اطراف مدینه زندگی میکنند و همچنین بعضی از اهل مدینه؛ در نفاق و دورویی غوطه ورنده شما آنها را نمی شناسید، ما می شناسیم دوبار آنها را عذاب میکنیم آنگاه بعد از این بزرگتر برده میشوند .

۱۰۲ - و آخرون اعترفوا بذنوبهم خلطوا عملًا صالحًا و آخر سیئًا عسی الله ان یتوب علیهم ان الله غفور رحیم .

: گروهی از آنها بگناه خود اعتراف کرده اند عمل نیک و بد را بهم آمیخته اند شاید خداوند توبه آنها را بپذیرد خداوند آمرزنده و رحیم است

جمعیت‌های مختلف در زمان پیامبر (ص)

۱ - قسمی از مسلمانان را و اعراب شبه جزیره تشکیل میداد، و اعراب در لغت عرب برخلاف آنچه در زبان عوام معروف است، فقط به عرب بادیه نشین و بیابانی میگویند، که مفرد آن داعرابی، است و به عرب شهر نشین و ده نشین که برای خود اجتماع و تمدن دارند؛ لفظ داعراب، و داعرابی، گفته نمیشود و اینکه گاهی برخی از مردم در مذمت مطلق عربها با آیه نود و هفتم (الاعراب اشد کفرًا و نفاقًا) استدلال مینمایند، صحیح نیست .

بعضی از مردم بادیه نشین بر اثر نداشتن معلومات صحیح و روشهای آموزشی و پرورشی

نوذ و تأثیر در آنها از طریق بیان و منطق بسیار مشکل است، آنان اگر چه از جهاتی صاف و ساده اند و فطرت آنها دست نخورده است، ولی دست کشیدن از عقائد و معتقداتی که سالیان دراز روی آن رشد نموده اند و اساس زندگی معنوی آنها را تشکیل می دهد برای آنها بسیار مشکل است از این نظر قرآن آنها را با جمله: «اشد کفرأ و نفاقاً» در کفر و نفاق سرسختند معرفی کرده است؛ یعنی هر گاه روی علنی ایمان بیاورند ولی کفر و نفاق و شک و تردید خود را پراثر فاقد بودن روشهای آموزشی و پرورشی در باطن دارند. و روی همین نظر آنرا با جمله دیگر: «واجدرا لا یعلموا حدون ما انزل الله» یعنی کمتر بتوانی الهی توجه دارند، نیز معرفی کرده است، خلاصه سرسختی در کفر و نفاق، عدم توجه به قوانین آسمانی؛ همگی معلول نبودن وسائل تعلیمی و تربیتی است، و گرنه بادیه نشین؛ باده نشین و شهر نشین از نظر استعداد، ادراک فطری چندان فاصله ندارد؛ چیزیکه هست استعداد افرادی که زندگی اجتماعی دارند، روی اصول صحیح در مسیر تکامل بهره برداری قرار میگیرد، ولی قوای ادراکی بادیه نشین و بیابان گرد، همان حالت خام و ناپختگی باقی میماند.

دسته ای از بادیه نشینها چون بازویش «مادتی که دین توحید و آقین خدا پرستی برای آنها بارمغان آورده است» پی نمیبرند. همواره و از گون گردیدن حکومت نو بنیاد اسلام را خواهند دید و آنچه از آنها بد منظور اصلاح وضع زندگی بوده مردم از زکات و صدقات گرفته میشود، غرامت و خسارت تلقی میکنند، همه این پندارها پلاریشه دارد؛ و آن کفر و نفاق است که حجاب غایبی، میان دلهای آنان و مسادتی که آئین اسلام آنرا در بر دارد، بوجود آورده است چنانکه آیه نود و هشتم از افکار باطنی آنها که نگارش یافت گزارش میدهد.

بادیه نشینی از نظر اسلام

اسلام با طرز زندگی بادیه نشینی و بیابان گردی که باعث محرومیت از مزایای عالی اجتماعات دینی و ترک واجبات و ارتکاب مجرمات میگردد جداً مخالف است؛ رسول خدا (صلوات الله علیه) میان «اعراب» میفرستاد تا آنها را با اصول خدا پرستی آشنا سازند.

امیر مؤمنان به «خوارج» که از اجتماع مسلمین دوری گرفته، و «بسان بادیه نشینها عزلت و انزوا اختیار کرده بودند فرمود: «والرؤموا السواد الاعظم فان ید الله مع الجماعة و ایاکم و الفرقة فان الشاذ من الناس للشیطان کما ان الشاذ من الغنم للذئب» (سفینه ج ۱ ص ۶۷۰)؛ «با اجتماعات بزرگ پیوسته اند؛ دست خدا با اجتماع است و از عزلت و تکروری بهره نبرد؛ تکرران و منحرفین اجتماع بدام شیطان میافتند؛ چنانکه گوسفند

بازمانده از گله طعمه گرگ میگردد.

آنچه لازم بتذکر است این است که هدف آیات این نیست که عموم بادیه نشینها را مذمت کرده و هر اجتماع شهر نشین را بتسایید بلکه در آیه نود و نهم یعنی آیه «من الاعراب تا آخر» به این مطلب تصریح کرده و میگوید: «عدما ی ازهمین بادیه نشینها بخدا و روز قیامت مؤمن، و برخلاف دسته پیش مالیات اسلامی را بایه تقرب بخدا، نه خسارت و غرامت، بدانند و در آیه صد و یک یعنی آیه «من اهل المدینه»؛ بعضی از اهل مدینه را که اجتماع و تمدنی داشتند و بادیه نشین نبودند مذمت فرموده و میفرماید که پیش از عذاب اخروی دیوار مذنب خواهند شد.

دست دوم؛ کسانی که نیکو بود در پرورنده زندگی آنها پیدا میشود و از نفاق و گناهان

خود پشیمان شده اند چنانکه می فرماید: «و آخرون اعترفوا بذنوبهم».

دسته سوم؛ شرح حال این دسته در تفسیر آیه صد و شش خواهد آمد.

دسته چهارم؛ سابقین از مهاجر و انصار که در روزگار تنهایی اسلام ایمان آورده و

پیش از حکومت نو بنیاد اسلام از آن حمایت کرده اند و آنان افرادی هستند که پیش از نبرد

«بدر» که در سال دوم «بعثت» اتفاق افتاده است ایمان آورده بودند گاهی گفته میشود منظور

کسانی است که پیش از صلح «حدیبه» که در سال ششم «بعثت» رخ داده است ایمان آورده اند

و پیش از این صلح رفت و آمد نمیکند از طرف مشرکان ممنوع بوده است و پس از آن گشایشی در

وضع مسلمانان بوجود آمد.

دسته پنجم کسانی که قرآن از آنها با جمله «والذین اتبعوهم باحسان» تعبیر فرموده

است یعنی کسانی که بطور شایسته از مهاجر و انصار پیروی کرده اند؛ مشران در لفظ «باحسان»

دو نظر دارند؛ اول قید اصل اتباع و پیروی باشد یعنی کسانی که پیروی آنها خریدند نه و تمسیت

و پیروی آنها بحق بوده است. و علت پیروی آنها منافع و پرهانی که در سابقین میدیدند

بوده است دوم احتمال دارد که لفظ من بورقید افعال مهاجر و انصار باشد یعنی تا بیتی که از کارهای

نیک آنها تقلید کرده و در انجام کارهای خوب آنانرا پیروی مینمایند

مقصود از این دسته مسلمانانی است که در اواخر زمان پیامبر ایمان آورده و یا پس از

آندوران تا کنون ایمان آورده اند؛ و منظور از تابعین؛ آن تابعین اصطلاح محدثین نیست

یعنی کسانی که پیامبر را درک نکرده ولی یاران و اصحاب او را دیده اند؛ زیرا این اصطلاحی

است که پس از رحلت پیامبر میان محدثان به دید آمده است.

خداوند به دسته های مهاجر و انصار تا بعین بشارت میدهد که از آنها راضی و خوشنود

شده و بهشت را برای آنها آماده کرده است .

سؤال : گاهی گفته میشود بحکم این آیه عموم سابقین از مهاجر و انصار مورد خوشنودی خداوند واقع گردیده و بهشت برای آنها آماده شده است در صورتیکه در میان همان مهاجر و انصار با افرادی برمیخوریم که بعدها مرتد و کافر و یا فاسق شده اند از آنجمله :

۱- عبدالله بن سعد بن ابی سرح برادر رضای عثمان که از مهاجرین مکه بود و در آغاز هجرت ، در جرگه نویسندگان وحی بود ؛ سپس شکه و تردید در عقائد وی پدید آمد و از ومدینه به مکه گریخت و مدعی شد که من نیز می توانم قرآن را مانند قرآن محمد بیارم چنانکه قرآن در حق این شخص میفرماید : **وَمَنْ قَالِ سَأَنْزِلُ مِثْلَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ (انعام-۹۳)** کسی که گفت بزودی مانند قرآن نازل خواهم کرد و پیامبر اکرم در روز فتح مکه خون چند نفر را مباح کرد یکی از آنها همین شخص بود سپس عثمان شفاعت کرد ، و بحسب ظاهر دو مرتبه در عداد مسلمین قرار گرفت .

۲- حاطب بن ابی بلتعنه که در ردیف مبارزین جنگ « بدر » بوده ، ولی سپس برای مشرکان جاسوسی کرده و نامه ای از مدینه به مکیان نوشت و آمادگی پیامبر را برای فتح مکه گزارش داد ؛ و بوسیله زنی فرستاد ؛ پیامبر علی (ع) را مأمور ساخت که این زن را از نیمه راه برگرداند و نامه را از او بگیرد ؛ و مسلماً این عمل از هر نظری صورت بگیرد ؛ گناه بزرگ و عامل آن مستوجب عقوبت است . و قرآن در حق این مرد فرموده است **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَخْزُوا عَدُوِي وَعَدُوِيكُمْ أَوْلِيَاءَ (منجنه - ۱)** ؛ ای مؤمنان دشمنان من و خودتان را دوست خود قرار ندهید .

۳- عبیدالله بن جحش از مسلمانان مکه است که پس از مهاجرت به حبشه ، از دین اسلام دست کشید و بکیش نصرانیت گروید .

۴- حکم بن عاص که از تابعین باحسان است که بر اثر کارهای زشتی که انجام میداد ، رسول خدا او را به مکه تبعید نمود .

۵- ولید بن عقبه که از تابعین باحسان است ؛ که قرآن سربحاً او را در سوره «حجرات» فاسق شمرده و در زمان استانداری خود در «کوفه» در خلافت عثمان ؛ در حال مستی نماز صبح را چهار رکعت خواند سپس از آنجا به مدینه فراخوانده شد ، و حد شراب بر او جاری گردید .

۶- حر قوص بن زهیر رئیس خوارج که در تقسیم غنائم زبان اعتراض به پیامبر

گشود و پیامبر از آینده خطرناک این مرد ، خیرداد (۱) .

خلاصه با بودن این افراد ناصالح در میان مهاجر و انصار و تابعین آنها ؛ چطور خداوند از همه آنها راضی گردیده و خبر میدهد که بهشت را برای آنها آماده کرده است ؟ پاسخش ؛ ناگفته پیداست که این رضایت و خوشنودی مخصوص بیک عمل معین آنهاست یعنی خداوند از آنان که در زمان غربت اسلام از آن حمایت کرده اند و رسول خدا را یاری نمودند راضی و خوشنود گردیده است ؛ و این رضایت هرگز دلیل نمیشود که خداوند از آنان از تمام افعال آنها راضی شده است ولو اینکه بعدها از سراط مستقیم منحرف گردند ، بلکه مشروط بر این است که آنها بهمان وضع و ایمان خود باقی بمانند ؛ و چیزی را که موجب کفر و ارتداد یا فسق و حیث افعال صالحه است انجام ندهند و به سادت دیگر ایمان و اخلاص مهاجر و انصار ؛ مانند سایر مقتضیات و اسبابی است که مشروط بر این است که بعدها موانع و اعمالی را که این مقتضی را از تأثیر میاندازد ، پیش نیاورند ، و گرنه مانند بقیه مقتضی هایی اثر خواهد بود .

و قول دانشمندان ، پاداشی (رضایت و بهشت) که در این آیه وارد شده است بک پاداش وسیعی است یعنی آنان از این نظر چنین پاداشی را دارند ولی هیچ منافات ندارد که همین اشخاص بعد از کارهایی انجام دهند که پاداش آن خشم خداوند و دوزخ او باشد .

هرگز این آیه نیامده است که با صاحب سابق رسول خدا بیک مصونیت قطعی بدهد که چون خداوند از آنها خوشنود شده است ، هر کاری دلشان خواست انجام بدهند و یا هر کار نامشروعی از یکی از اینها دید شد بحکم آیه مجبور بنأویل و تحریف گردیم ، بگمان اینکه آیه در حق آنان حکم قطعی صادر کرده است ؛ هرگز چنین مصونیتی باحدی از انبیاء و اولیاء حتی رسول اکرم داده نشده است ؛ خداوند به گرامی ترین افراد بشر چنین میفرماید ؛ **لَنْ نَشْرِكَكَ لِيَهْتَكُنَ عَمَلُكَ وَلَتَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ (زمر - ۶۵)** هر گاه شرك و بت پرستی را پیشه بگیری ؛ تمام خدمات و کارها و عبادات تو حیث و بی ارزش میشود ؛ هرگز ایمان و اخلاص یاران پیامبر ؛ بیش از ایمان و فداکاریهای پیامبر خدا نبود .

قرآن درباره ابراهیم و فرزندان وی مانند اسحاق و یعقوب ؛ موسی و هرون و ... چنین میفرماید ؛ **وَلَوْ اَشْرَكُوا لَجِئْتَنَّهُمْ مَآكِنَاوَا يَمْشُونَ (انعام - ۸۸)** گر مشرک میگردند تمام افعال آنها بی ارزش میشود .

(۱) برای اطلاع بیشتر درباره شرح زندگی افراد نامبرده به تفسیر آیه های فوق و کتابهای رجالی مانند ؛ «الاصابة» نگارش ابن حجر عسقلانی ؛ و «الاسمه» نگارش ابن عبد البر قلیوبی و تواریخ معروف اسلامی مراجعه فرمائید .